



Investigating the Factors of Divergence in the Political Relations between the Islamic Republic of Iran and Turkey from 2011 to 2020

10.30495/PIR.2023.1952854.3459

Montazeri Bahram¹, Shayanfar Khatib²

Received:2023/02/16

Accepted:2023/04/24

Research Article

Abstract

To enjoy the benefits of neighboring countries, it is necessary to recognize the problems, dangers, disputes and tensions that overshadow or distort the political relationship between them. It is natural that only if we recognize and try to remove these obstacles, divergences can be prevented from turning into tension, threats or conflicts. In this regard, it seems that one of Iran's neighboring countries, which has many advantages in terms of geopolitics and perhaps it can be considered one of the few countries with regional influence around Iran, is Turkey. Therefore, the present study seeks to answer the question: what are the causes of divergence in the political relations between the Islamic Republic of Iran and Turkey? The objectives of this study are the study of divergence factors in the political relations of the Islamic Republic of Iran and Turkey based on three categories of geopolitical factors, geoeconomic factors and geoculture factors. This research is of applied-developmental type and is descriptive-analytical and survey method. The statistical population of the study includes 34 professors and students of the Islamic Azad University, Imam Ali College, the Ministry of Foreign Affairs and the IRGC Intelligence Organization. The research questionnaire was tested to confirm the validity and identify the basic variables in order to explain the correlation pattern between the observed variables. The result of this analysis and analysis shows that in all three components of geopolitics, geoculture and geoeconomics, respectively, the mentioned priority caused divergence and a total of 15 factors were confirmed. In response to sub-questions, the most important geopolitical factors, the Kurdish issue in Syria and the Turkish military presence under the pretext of fighting them in Syria and the most important geocultural factors, the flag of the Islamic system in the region by Iran and the most important geoeconomic factors, the two countries compete for influence. It was identified in the markets of the Caucasus and Central Asia.

Keywords: Divergence Factors; Geopolitics; Geoculture; Geoeconomics; Islamic Republic of Iran; Political Relations; Turkey.

Montazeri, B., & Shayanfar, Kh. (2023). Investigating the Factors of Divergence in the Political Relations between the Islamic Republic of Iran and Turkey from 2011 to 2020. *Journal of Political And International Research*, 15(54), pp. 14-28.

¹ Assistant Professor, Member of Faculty of Azad University, Shahreza Branch, Shhareza, Iran (Corresponding Author) montazeri@iaush.ac.ir

² Master of Political Science, Islamic Azad University, Shahreza Branch, Shahreza, Iran. Shayanfar82@yahoo.com



بررسی عوامل واگرایی در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۲۰

10.30495/PIR.2023.1952854.3459

بهرام منتظری^۱، خطیب شایانفر^۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴

چکیده

لازمه بهره‌مندی از مزایای کشورهای همسایه، شناخت مشکلات، مخاطرات، مشاجرات و تنش‌هایی می‌باشد که رابطه سیاسی بین آنان را تحت شعاع قرار داده و یا مخدوش می‌سازند. طبیعی است تنها در صورت شناخت و تلاش در جهت رفع این موانع است که می‌توان از تبدیل واگرایی‌ها به تنش، تهدید و یا درگیری جلوگیری نمود. در این راستا بنظر می‌رسد یکی از کشورهای همسایه ایران که از نظر ژئوپلیتیکی دارای امتیازهای فراوانی بوده و شاید بتوان آن را از معدود کشورهای دارای تأثیرات منطقه‌ای پیرامونی ایران یاد کرد کشور ترکیه می‌باشد. لذا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که عوامل واگرایی در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه کدامند؟ بررسی عوامل واگرایی در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه براساس سه دسته عوامل ژئوپولیتیک، عوامل ژئواکونومیک و عوامل ژئوکالچر به عنوان اهداف این پژوهش محسوب می‌شوند. این پژوهش که از نوع کاربردی - توسعه‌ای بوده و به روش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل اساتید و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده امام علی (ع)، وزارت امور خارجه و سازمان اطلاعات سپاه به تعداد ۳۴ نفر می‌باشند. نتیجه حاصل از این واکاوی و تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد در هر سه مؤلفه ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک به ترتیب اولویت ذکر شده باعث ایجاد واگرایی شده و در مجموع ۱۵ عامل مورد تأیید قرار گرفت. در ادامه و در پاسخ به سؤالات فرعی مهمترین عوامل ژئوپلیتیک، مسأله کردها در سوریه و حضور نظامی ترکیه به بهانه مبارزه با آنها در سوریه و مهمترین عوامل ژئوکالچری، پرچمداری نظام اسلامی در منطقه توسط ایران و مهمترین عوامل ژئواکونومیک، رقابت دو کشور جهت نفوذ در بازارهای منطقه قفقاز و آسیای مرکزی مشخص گردید.

واژگان کلیدی: عوامل واگرایی، روابط سیاسی، ژئوپلیتیک، ژئوکالچر، ژئواکونومیک، جمهوری اسلامی ایران، ترکیه

منتظری، بهرام؛ شایانفر، خطیب (۱۴۰۲). بررسی عوامل واگرایی در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۲۰. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۴، صفحات ۲۸-۱۴.

^۱استاد یار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ایران (نویسنده مسئول) Montazeri@iaush.ac.ir

^۲کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ایران Shayanfar82@yahoo.com

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) نظام نوپای اسلامی، کشور و ملت ایران وارد مرحله جدید و نوینی از اهداف و آرمانهای خود گردید. در این راستا و جهت دستیابی به این اهداف و آرمانهای جدید، نهال نوپای انقلاب همان گونه که در درون مرزهای خود سیاست‌ها و نظام جدیدی را پیاده سازی می‌نمود در سیاست خارجی خود نیز اهداف و اولویت‌های نوینی را در نظر داشت و این تفکر خود که با شعار نه شرقی - نه غربی نمود پیدا می‌کرد را در اولین روزهای پس از انقلاب به جهانیان ارائه نمود. یکی از سیاست‌هایی که پس از انقلاب اسلامی در آن تحولی عظیم ایجاد شد، رویکرد نگاه به سایر بازیگران عرصه منطقه‌ای و جهانی بجای نگاه و وابستگی مطلق به غرب و در رأس آن آمریکای جنایت کار بود که در این نگاه همسایگان جایگاه ویژه‌ای داشتند. بدون تردید یکی از متغیرهای مؤثر در شکل گیری خط مشی سیاست خارجی، مباحث استراتژیک و سیاست دفاعی هر کشور، محیط منطقه‌ای و ابعاد مختلف آن می‌باشد. اگرچه که امروزه منافع ملی کشورها مهمترین معیار برای تصمیم گیری سیاسی است اما نباید فراموش کرد که منافع ملی واقع بینانه در ارتباط با «قدرت یا ظرفیت اقدام دولت‌ها» تعریف می‌شود و اغراق نیست اگر گفته شود کشورها سعی می‌کنند از طریق تحلیل ظرفیت قدرت و بهره مندی از عوامل و منابع ژئوپولیتیکی، ژئواکونومیکی^۱ و ژئوکالچر^۲ خود زمینه دستیابی به قدرت بیشتر، به منظور پشتیبانی لازم از منافع و امنیت ملی خود را فراهم نمایند.

از طرفی دیگر بدلیل محدودیت دولت‌ها در کسب و ارتقای قدرت ملی خود و تلاش رقابت آمیز دولت‌های مختلف برای کسب و اعمال منابع قدرت^۳، موجبات تبدیل این منابع، به منابع مشاجرات و تنش‌های طویل المدت را فراهم می‌آورد به گونه‌ای که توان عمده دستگاه دیپلماسی کشورها معطوف به شناسایی و رفع این تنش‌ها برای وصول به منافع حداکثری ملی خویش می‌گردد. این مهم کاملاً بر رفتار سیاسی، استراتژی‌ها، منافع و اهداف ملی^۴ کشورها تأثیر گذار است. به نحوی که غفلت از آن تنش‌ها ممکن است امنیت ملی، تمامیت ارضی، بقا و موجودیت یک کشور را به خطر اندازد.

بنابر این اگر تأمین منافع و اهداف ملی و در نهایت حفظ تمامیت ارضی یک کشور، محور اصلی و اساسی سیاست گذاری‌های داخلی و خارجی حکومت آن است پس بایستی مبتنی بر شناخت دقیق عوامل واگرایی ژئوپولیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچر خود با طرف‌های متعامل بویژه با همسایگان بوده باشد تا در عرصه بین المللی و نظام جهانی به خواسته مطلوب خود برسد.

۱- پیشینه پژوهش

- ذبیح الله ابراهیمی ترکمانی (۱۳۸۱) در رساله Ph.d تحت عنوان «شناخت سیاست منطقه ای ترکیه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران» در دانشگاه عالی دفاع ملی با این سوال نوشته است: آیا جهت گیری سیاست منطقه ای ترکیه تهدیدی بر امنیت ملی ایران است؟ در این رساله پس از آزمون سه فرضیه مورد نظر خود در پایان چنین نتیجه می‌گیرد که: سیاست منطقه ای ترکیه، تحت تأثیر تعاملات با ایالات متحده امریکا و اسرائیل می‌تواند زمینه‌های تهدید امنیت ملی ایران را در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فرهنگی فراهم نماید.

- کیهان برزگر (۱۳۸۹) در مقاله ای تحت عنوان «روابط ایران و ترکیه و راهبردهای سیاسی - امنیتی اسرائیل» که در مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام به رشته تحریر در آورده است به بررسی آثار نزدیکی روابط ایران و ترکیه بر راهبردهای سیاسی - امنیتی اسرائیل در خاورمیانه می‌پردازد. بحث اصلی نویسنده این است که ایران و ترکیه دو بازیگر منطقه‌ای با نقش‌ها و درجه تاثیرگذاری متفاوت، اما مکمل یکدیگر در خاورمیانه‌اند که بر پایه‌های قدرت و نفوذشان در خاورمیانه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر افزوده شده است. نزدیکی این دو بازیگر یک بلوک قدرتمند سیاسی - امنیتی و اقتصادی در خاورمیانه ایجاد می‌کند که راهبردهای سیاسی - امنیتی اسرائیل را در منطقه به چالش می‌کشد. خاورمیانه در حال حاضر شاهد نوعی خلا ایدئولوژیک و استراتژیک به دلیل ناتوانی امریکا در کنترل

1. Geo Economic
2. Geo Cultur
3. Power Source
4. NationalGoal

بحران‌های منطقه‌ای است. در این شرایط، ائتلافی منطقه‌ای میان ایران و ترکیه به سرعت در حال جایگزینی این خلا است. از آنجا که نزدیکی و تقویت روابط ایران و ترکیه جایگاه سیاسی — امنیتی و ایدئولوژیک اسرائیل را در خاورمیانه به چالش می‌کشد، این رژیم تمام تلاش خود را برای ایجاد شکاف در این ائتلاف به کار خواهد گرفت.

براساس یافته‌های این پژوهش شکل‌گیری ائتلافی جدید به رهبری ایران و ترکیه در منطقه، طبیعتاً مشروعیت راهبردهای سیاسی-امنیتی اسرائیل را به چالش می‌کشد؛ به خصوص که این رژیم سه هدف عمده زیر را در منطقه دنبال می‌کند: نخست، پیشبرد سیاست «سازش حداقلی» در روند صلح با گرفتن بیشترین امتیاز و دادن کمترین امتیاز ممکن به اعراب؛ دوم، ثبت دامنه‌های نفوذ اقتصادی،

فرهنگی و سیاسی خود در منطقه تا حد امکان به خصوص در قفقاز و کردستان عراق؛ سوم، تلاش همه‌جانبه برای انزوای ایران - رسول افضلی وافشین متقی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ژئوپلیتیکی رفتارکنشگران سیاسی در روابط ایران و ترکیه بعد از انقلاب بارویکرد بر ساختارگرایانه» که در مجله پژوهشنامه متین به چاپ رسانده اند درصدد پاسخگویی به این سوال اساسی هستند که چگونه می‌توان به تحلیل ژئوپلیتیکی رفتار کنشگران سیاسی ایرانی و ترک بعد از انقلاب اسلامی و تاثیر آن بر بساختگی این نوسانات با رویکردی برساخت گرایانه پرداخت؟

نتیجه این پژوهش بیان می‌دارد که ایران و ترکیه به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای در همجواری یکدیگر و در حوزه حساس‌ترین مناطق جهان از جمله خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز واقع شده‌اند. این دو کشور دارای نظام معنایی و علایق خاص خود هستند و سلسله منافع مشترک و برخی تضادها نیز دارند. عوامل گوناگونی بر روابط این دو کشور تاثیر می‌گذارد که سبب ایجاد نوساناتی در روابط دوجانبه آنها، به ویژه پس از انقلاب اسلامی، می‌شود. این سلسله عوامل در رفتار کنشگران سیاسی ایرانی و ترک به نحوی خاص نمود پیدا می‌کند که نیازمند به تحلیل و ریشه‌یابی ژئوپلیتیکی این رفتارها می‌باشد.

- حاکم قاسمی آرام حسن زاده (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «آینده روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات خاورمیانه» که در مجله مطالعات بیداری اسلامی به چاپ رسانده اند ابراز می‌دارند که روابط سیاسی و اقتصادی ایران و ترکیه در یک دهه گذشته شکوفایی گسترده‌ای یافته است. مقامات رسمی دو کشور پیش‌بینی کرده‌اند روابط اقتصادی آنها در سال ۲۰۱۵ به ۳۰ میلیارد دلار افزایش یابد. دو کشور دارای منافع سیاسی و امنیتی مشترکی هستند که در اکثر حوزه‌ها باعث همگرایی آنها شده است. البته در برخی حوزه‌ها رقابتهایی وجود دارد که باعث نوعی واگرایی و حتی رقابت دو کشور گشته است. یکی از عواملی که باعث رقابت و ایجاد واگرایی در روابط دو کشور گشته، تاثیراتی است که تحولات خاورمیانه بر منافع دو کشور گذاشته و منافع دو کشور را در برخی حوزه‌ها در مقابل هم قرار داده است. یکی از این حوزه‌ها بحران سوریه است. در بحران سوریه ایران از دولت بشار اسد حمایت و دفاع می‌کند، اما ترکیه خواهان سقوط بشار اسد است و از اپوزیسیون دولت سوریه حمایت می‌نماید. لذا سوال این است که تحولات خاورمیانه چه تاثیری بر روابط ایران و ترکیه دارد؟ در این مقاله سعی می‌شود با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شود. بررسی‌ها حاکی از آن است که اختلاف نظر و تضاد منافع ایران و ترکیه در تحولات خاورمیانه باعث واگرایی آنها می‌شود اما پیوندها و منافع اقتصادی مشترک، مانع وارد آمدن آسیب‌های جدی بر روابط دو کشور می‌گردد.

مزیت اثر حاضر درمقایسه با پژوهش‌هایی که به عنوان پیشینه به آن اشاره شد بر این است که در این پژوهش بادر نظر گرفتن جهات مختلفی که باعث واگرایی در روابط سیاسی کشورها می‌شود از جمله جغرافیا، فرهنگ و اقتصاد و کلیه منافع حاصل از این ابعاد، بطور مفصل بحث شده است و آنچه به محتوا و خصوصاً به تجزیه تحلیل و نتیجه‌گیری غنا بخشیده انجام کار میدانی است که با تهیه و توزیع پرسش‌نامه بین صاحب‌نظران این عرصه و اخذ نظرات ایشان اتفاق افتاده است. از نظر محقق این تحقیق یک پژوهش بکر و بدیع می‌باشد و باتوجه به تحولات کشور ترکیه و بوجود آمدن تعارض منافع با ایران قابل توجه است و از طرفی چون نوع پژوهش کاربردی است پیشنهاداتی جهت دست اندرکاران سیاست خارجه ارائه گردیده است.

۲- چارچوب نظری

عوامل واگرایی می‌توانند ویژگی‌های مشترک ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی داشته باشند، گروه بندی قطعی عوامل جغرافیایی واگرایی و مشاجره و قرار دادن آنها در یک گروه به سختی امکان پذیر می‌باشد. دکتر کریمی پور معتقد است: عوامل جغرافیایی واگرایی بین دولت‌های همجوار از نقطه نظر منشأ، ریشه و نوع واگرایی در چهار گروه کلی جای می‌گیرد:

ژئوآکونومیک

ژئواستراتژیک

ژئوپلیتیک

و ژئو کالچر (فیروزکوهی، ۱۳۹۱: ۱۹)

در این پژوهش با توجه به سطح بالای ژئواستراتژیک به بررسی این مؤلفه واگرایی نمی‌پردازیم.

از پیامدهای واژه ژئوپلیتیک، رواج دو مفهوم ژئوآکونومی و ژئوکالچر است. در همین راستا دکتر پیروز مجتهدزاده معتقد است: ژئوپلیتیک از سوی دیگر، مبحثی گسترده و مادر است که در روند مطالعه و بر حسب دیدگاه‌های گوناگون مطالعه، نیم پیکر واژه‌ای آن به صورت پیشوند «ژئو» در برابر دیدگاه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی در آمده و مباحث جدیدی را راهبری می‌کند. (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۱۴۱)

بر این اساس ما برای دست یابی به چارچوب نظری مناسب در خصوص «عوامل واگرایی» که به عنوان متغیر مستقل این پژوهش مورد مطالعه قرار می‌گیرد، مفاهیمی چون: «ژئوپلیتیک و عوامل واگرایی ژئوپلیتیکی»، «ژئوآکونومیک و عوامل واگرایی ژئوآکونومیکی» و همچنین «ژئو کالچر و عوامل واگرایی ژئو کالچری» را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۳- مفهوم ژئوپلیتیک

دکتر حافظ نیا با اشاره به اشتراک نظر نظامیان، سیاستمداران حرفه‌ای و جغرافیدانان در مفهوم پرفراز و نشیب ژئوپلیتیک معتقد به بازخیزی مجدد این مفهوم در عصر حاضر شده می‌نویسد:

ژئوپلیتیک از زمان وضع واژه آن در طی قرن بیستم از نظر مفهومی و نیز موقعیت اجتماعی و علمی دچار فراز و نشیب شده و از حالتی شناور در موضوعات مورد اطلاق نیز برخوردار بوده است. این واژه در بین جغرافیدانان، سیاستمداران حرفه‌ای، نظامی‌ها و متخصصین علوم سیاسی و روابط بین الملل رواج داشته و دارد. از دهه هفتاد و هشتاد قرن بیستم به این سو ژئوپلیتیک دچار باز خیزی شده و از رواج چشمگیری برخوردار شده است. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۱)

بر اساس تقسیم بندی اگنیو^۱ ودالبی^۲، از زمان پیدایش این دانش تا پایان جنگ جهانی دوم را می‌توان دوره ژئوپلیتیک داروینستی (جبر محیطی) نامید، به این معنا که جغرافیا به عنوان متغیر مستقل شکل دهنده سیاست کشورها بود. این دوره را عصر ژئوپلیتیک آلمان نیز نامگذاری کرده‌اند. از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۱ دوره ژئوپلیتیک جنگ سرد نامیده شده است. در این دوره ژئوپلیتیک از نظر دانشگاهی غیر فعال و در حال سکوت بود اما در عرصه سیاست عملی و توسط تصمیم گیران سیاست خارجی همچنان بکار گرفته می‌شد. غیر فعال بودن ژئوپلیتیک در سال‌های میانی نیمه دوم قرن بیستم که نتیجه هم معنا شدن ژئوپلیتیک آلمان و حزب نازی بود، موجب فعال شدن جغرافیای سیاسی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ آن قرن گردید. البته خانم دکتر دره میر حیدر ضمن اشاره به نگاه منفی جغرافیدان سیاسی مطرح آمریکایی، ریچارد هارتشورن به ژئوپلیتیک به عنوان «یک مفهوم جنگ طلب» در خصوص اقدام وی برای تجزیه مفاهیم جغرافیای سیاسی از ژئوپلیتیک می‌نویسد:

«ریچارد هارتشورن جغرافیدان سیاسی آمریکا با تأکید بر جغرافیای سیاسی، در پی جداسازی سرنوشت جغرافیای سیاسی از ژئوپلیتیک (به عنوان یک دانش مطرود و جنگ طلب) بود. منظور هارتشورن از جغرافیای سیاسی، زنده کردن سنت جغرافیای انسانی فرانسه، مکتب

مکان‌گرایی دولابلاش و تأکید بر اهمیت ناحیه سیاسی (کشور) به عنوان اصلی‌ترین مقیاس مکان در مطالعات جغرافیای سیاسی بود.» (میر حیدر، ۱۳۸۵: ۶)

ذکر این نکته ضروری است که، اگر چه ژئوپولیتیک در طی این چهار دهه مورد بی‌مهری قرار گرفت، اما در عمل تدریس آن در دانشکده‌های نظامی ادامه یافت. در همین رابطه آقای دکتر افشردی معتقدند: «سیاست‌هایی چون مهار شوروی^۱ که توسط جرج کنان^۲ در سال ۱۹۴۷ مطرح شده و اساس سیاست آمریکا و غرب در دوران جنگ سرد نسبت به شوروی قرار گرفت، دست مایه‌های ژئوپولیتیکی داشته و متأثر از نظریه ریملند^۳ اسپایکمن بود، هر چند چنین ارتباطی هیچگاه اذعان نگردید» (افشردی، ۱۳۸۱: ۷)

در دوره جدید، ژئوپلیتیسین‌ها با دیدگاه‌های مختلف، تعاریف متنوعی از ژئوپولیتیک ارائه نمودند. برخی از این تعاریف همچنان قالب کلاسیک خود را حفظ کرده و برخی کاملاً نو به نظر می‌رسند. در همین رابطه، دکتر افشردی ضمن اشاره به نظر سائول کوهن، سیستم ژئوپولیتیکی بین‌المللی را محصول کنش متقابل فضایی و فرآیندهای همه‌جانبه سیاسی قلمداد می‌کند. وی در این رابطه می‌نویسد: سائول کوهن معتقد است: ژئوپولیتیک مطالعه کاربردی روابط جغرافیای فضا با سیاست است. ژئوپولیتیک تأثیر دو جانبه الگوهای فضایی، اشکال و ساختارها را با عقاید سیاسی و سازمان‌ها مطالعه می‌کند. کنش متقابل فضایی و فرایندهای سیاسی در تمامی سطوح (محلی، ملی، قاره‌ای و جهانی) سیستم ژئوپولیتیکی بین‌المللی را قالب ریزی و ایجاد کرده است (افشردی، ۱۳۸۱: ۸).

ایولاکست، جغرافیدان فرانسوی می‌گوید:

ژئوپولیتیک مجموعه پیچیده‌ای از نیروهای متخاصم و متضادی است که بر سرزمینهایی با ابعاد کوچک، خواه به منظور تفوق سیاسی و خواه برای بیرون راندن رقبا با یکدیگر، به کشمکش می‌پردازند (ایولاکست، ۱۳۸۳: ۷)

همچنین دکتر محمدرضا حافظ نیا نیز تعریف زیر را از ژئوپولیتیک ارائه نموده است:

علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷)

بعلاوه، دکتر میرحیدر ضمن اشاره به تأثیر پذیری تصمیمات سیاسی ملی و منطقه‌ای از ژئوپولیتیک، معتقد است:

ژئوپولیتیک، شیوه‌های قرائت و نگارش سیاست بین‌المللی توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آنها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای است (میر حیدر، ۱۳۸۵: ۲۲).

۳-۱- عوامل ژئوپولیتیکی واگرایی

دکتر کریمی پور در پایان نامه دکتری خود در دانشگاه تربیت مدرس تهران ضمن اشاره به تحت تأثیر بودن سیاست خارجی ملت‌ها توسط محیط و فضای جغرافیایی به ویژه موقعیت‌های نسبی می‌نویسند:

زمانی که استقلال و تمامیت ارضی، وحدت و امنیت ملی و ارزش‌های اساسی دولت-ملت به فضاهای جغرافیایی و سیاست ملل دیگر پیوند خورد، منابع ژئوپولیتیک مشاجره شکل خواهد گرفت. در واقع آنجا که سیاست خارجی ملتها و یا استراتژی‌های نظامی آنها تحت تأثیر محیط و فضای جغرافیایی، به ویژه موقعیت نسبی است، مسائل ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک شکل می‌گیرند، چنانکه بر این اساس، ژئوپولیتیک را سیاست برگرفته از جغرافیا یا زمین تعریف کرده‌اند. (کریمی پور، ۱۳۷۱: ۳۵)

اختلافات دیرینه دامنه دار و گوناگون در مورد مرزهای دریایی، زمینی و حتی هوایی، گسترش سرزمینی یک گروه واحد قومی در دو سوی مرز بین‌المللی و امتداد سرزمینی و جمعیتی بخشی از یک ملت در کشور همجوار، در شمار مسائل ژئوپولیتیک و تنش‌ها به شمار می‌روند (کریمی پور، ۱۳۸۰: ۲۱).

پیتر هاگت نیز در کتاب «جغرافیا ترکیبی نو»، ضمن اذعان به این حقیقت که علاوه بر تنش‌های با منشاء جغرافیایی میان کشورهای همسایه، برخی عوامل غیر فضایی و غیر محیطی نیز می‌تواند منبعی برای مشاجره دو کشور همسایه پدید آورد؛ دوازده محور جغرافیایی بالقوه تنش‌زا را که می‌توانند موجب منازعه و تنش دول همسایه شوند را به شرح ذیل تشریح می‌نماید:

۱. تمایل دولت محصور در خشکی برای دسترسی به آبهای آزاد از طریق فضای سرزمینی کشور یا کشورهای همسایه
۲. اختلاف تفسیر درباره خط تقسیم آب (آب پخشان)
۳. تغییر مرز بین المللی به دلیل تغییر مسیر رودخانه
۴. اختلاف در تعیین مرز و چگونگی بهره برداری از دریاچه مشترک
۵. ربودن آب علیای رودخانه
۶. گسترش سرزمین یک گروه واحد قومی در دو سوی مرز بین المللی
۷. حمایت از گروه اقلیت وابسته به گروه اکثریت در آن سوی مرز
۸. ادعای ارضی مبنی بر تهدید شهرهای مرزی
۹. جنبش جدایی طلبانه داخلی مورد حمایت همسایه با همسایگان
۱۰. منبع نفتی امتداد یافته در دو سوی مرز
۱۱. منابع معدنی مهم با موقعیت سرحدی. (هاگت، ۱۳۷۶: ۳۷۲)

دکتر کریمی پور بر این باور است که به فهرست موصوف می توان موارد دیگری را نیز اضافه نمود. یعنی مواردی نظیر:

۱. اختلاف نظر درباره چگونگی تحدید حدود رودخانه های قابل کشتیرانی مرزی
 ۲. اختلافات دیرینه بر سر مالکیت جزیره یا جزیره ها
 ۳. چگونگی تحدید مرزهای دریایی و خشکی
 ۴. تداخل منابع دول همجوار در دریاها
 ۵. تداخل منافع دول همجوار در دریاها
- نیز جزو منابع تنش با منشاء جغرافیایی می تواند قرار گیرند. (کریمی پور، ۱۳۸۰: ۱۸)
- ایشان همچنین بر این باورند که به فهرست هاگت می توان موارد ذیل را نیز به عنوان موارد تنش زای بین المللی اشاره نمود:
۱. تعقیب مخالفان مسلح تا آن سوی مرزهای بین المللی
 ۲. ایجاد نوار امنیتی در حاشیه مرز
 ۳. ورود آوارگان ناشی از جنگ های داخلی به خاک دولت یا دولتهای همسایه
 ۴. گسترش دامنه نبرد به حاشیه و درون فضای سرزمین دول همسایه
 ۵. تلاش همه جانبه برای گسترش نظام ارزشی در کشورهای همجوار
 ۶. مداخله نظامی برای حمایت از اتباع و هم کیشان
 ۷. مداخله نظامی به بهانه حفظ منافع برون مرزی
 ۸. در اختیار قرار دادن ایستگاه های رادیو تلویزیونی به مخالفان دولت های همسایه
 ۹. تأسیس پایگاه های نظامی از جمله تاسیسات موشکی در حاشیه مرز.

۴- مفهوم ژئواکونومی

- اواخر جنگ سرد، عده ای از محققین با توجه به تحولات پیش آمده مفهوم جدیدی به نام ژئواکونومیک را وارد عرصه تحلیل های نظام جهانی نمودند. دلایلی که منجر به تمرکز بر اصطلاح ژئواکونومیک^۱ گردید عبارتند از:
۱. ارائه طرح گلاسنوست^۲ از طرف گورباچف^۳ که اصلاحات اقتصادی شوروی را مد نظر قرار می داد.
 ۲. اهمیت یابی مداوم کشورهای دارنده منابع انرژی و قدرت اقتصادی در صحنه نظام بین الملل.

۳. وابستگی روزافزون قدرتهای جهانی به منابع انرژی (زین العابدین، ۱۳۹۰: ۲۳۹)

با توجه به دلایل فوق، از دهه ۸۰ محققین بسیاری به تحقیق در زمینه موضوع ژئواکونومیک اقدام نموده‌اند.

ادوارد لوت واک^۱ نیز از جمله کسانی است که به ساخت دستور زبان تجارت تأکید کرده و آن را جایگزین منطبق تضاد گذشته قرار می‌دهد (مولایی، ۱۳۸۲: ۱۶۰-۱۶۱). وی خبر از آمدن نظم جدید بین‌المللی در دهه ۹۰ می‌داد که در آن ابزار آلات اقتصادی جایگزین اهداف نظامی شده و به عنوان وسیله اصلی که دولت‌ها برای تثبیت قدرت و شخصیت وجودیشان در صحنه بین‌المللی به آن تأکید می‌کنند مورد توجه قرار می‌گیرند و این ماهیت ژئواکونومی است.

دکتر عزتی نیز معتقد است:

ژئوپولیتیک سنتی در مباحث سرزمینی راهی بر ژئواکونومی ارائه می‌دهد. فروپاشی شوروی که نمودی از عدم موفقیت ایدئولوژی کمونیستی و تفکر توسعه اراضی بود، نشان دهنده این اصل اساسی است که به منافع اقتصادی شهروندان شوروی سابق کمتر توجه شده است. در حالی که جایگاه ژئواکونومی، ماوراء این اهداف تعیین می‌شود. البته، نه به این معنی که ژئواکونومی ناشی از کشور گشایی یا نفوذ دیپلماسی است بلکه به این مفهوم که «یکی از طرق دستیابی به کاربرد بالاترین مهارت‌ها بخش اقتصادی است». مهم‌تر از همه این که موقعیت مطلوب اقتصاد جهانی تنها به وسیله پیشرفت و توسعه نسل آینده در سیستم‌های هوایی و رایانه‌ای و بیوتکنولوژی مواد جدید و خدمات مالی و ... ممکن خواهد بود و کماکان در این صحنه افرادی هستند که در موقعیت‌های جهانی قرار دارند و با ایجاد هماهنگی‌های جهانی موفق به کشف یک الگوی رهبری شده‌اند و شکست خورده‌ها کسانی هستند که صرفاً توجه به خطوط تولید دارند و در صورت گسترش بازارهای ملی‌شان تنها به حفظ تولید اقلام و مواد اولیه توجه می‌کنند. (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۰۷).

در همین رابطه دکتر مجتهدزاده می‌نویسند:

دیدگاه ویژه ژئواکونومیک عبارت است از مطالعه اثرگذاری عوامل یا زیربنای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای یا جهانی در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپولیتیک منطقه‌ای یا جهانی. (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۱۴۱)

ایشان حتی معتقدند که جهان کنونی که در حال طی مرحله پست مدرنیستی خود است «یکسره به کارکرد زیربنای اقتصادی در شکل دادن ژئوپولیتیک جهانی تعلق دارد. به این منظور وی می‌افزاید:

نظام جهانی دگرگون‌شونده کنونی، پس از گذشتن از مرحله پیگیری ایدئولوژی در هم‌آوردی‌های ژئوپولیتیک جهانی، وارد دوران پست مدرن می‌شود که یکسره به کارکرد زیربنای اقتصادی در شکل دادن ژئوپولیتیک جهانی تعلق دارد و جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد، نظام جهانی پست مدرن را شکل می‌دهد.

۴-۱- عوامل ژئواکونومیک و آگرایی

زمانی که بخش یا تمام قابلیت‌های اقتصادی دولت-ملت‌ها در گرو مسائل جغرافیایی باشد اقتصاد جغرافیایی یا ژئواکونومیک شکل می‌گیرد. در واقع طراحی‌های دراز مدت اقتصادی دولت‌ها در مرزها بر منابعی استوار است که می‌توان آنها را در شمار منابع مشترک به حساب آورد. (کریمی پور، ۱۳۸۰: ۲۰)

سپس نویسنده کتاب «مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان» ضمن تقسیم عوامل و آگرایی به سه حوزه ژئواکونومیک، ژئوپولیتیک و ژئوکالچر موارد ذیل را در شمار تنش‌های ژئواکونومیک می‌داند:

۱. اختلاف نظر در مکان تقسیم آب
۲. برداشت گسترده از بخش علیای رودخانه‌هایی که وارد چند کشور می‌شوند
۳. اختلاف بر سر مالکیت جزیره‌ها و میدان‌های نفتی آنها
۴. اختلاف بر سر مسائل کشتیرانی
۵. محدوده‌های فلات قاره، صیدگاه، مناطق انحصاری اقتصادی

۶. حق دسترسی دولت محصور در خشکی به آبهای آزاد از طریق عبور از خاک کشور همسایه. (کریمی پور، ۱۳۸۰: ۲۰)

۵- مفهوم ژئوکالچر

اصطلاح علمی ژئوکالچر^۱ از دو واژه ژئو به معنی زمین که منظور از آن سیاره زمین است و کالچر به معنی فرهنگی تشکیل یافته است. والرشتاین^۲ در کتاب خود، به نام «نظام متحول جهانی»، جایگاه ویژه‌ای به مفهوم ژئوکونومیک و ژئوکالچر اختصاص داده است و بیان می‌دارد که: «روابط کشورها براساس بده بستان‌های فرهنگی و اقتصادی در حال تکوین است و تضادهای ژئوپولیتیکی به نفع منافع ژئوکونومیکی در حال حل شدن می‌باشد.» (والرشتاین، ۱۳۷۹: ۱۷۶).

از انطباق قدرت موضوعی فرهنگی با جغرافیا، ژئوکالچر به وجود می‌آید. به طور کلی مطالعه رابطه بین فرهنگ با همه عمق و وسعت آن با سیاست و قدرت موضوعی است که می‌تواند مورد توجه ژئوپلیتیک قرار گیرد، هرچند مدتی است که عبارت ژئوکالچر وارد ادبیات ژئوپلیتیک گردیده است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۶).

آقای غریاق زندگی معتقد است که وجود پیشوند ژئو در اصطلاح ژئوکالچر، پیش از هر چیز به طبیعت واحد، یکپارچه و به هم پیوسته سیاره زمین اشاره می‌کند. پس تحلیل ژئوکالچر در وهله نخست، مستلزم برخورداری از یک نگرش جهانی و سیاره‌ای به فرآیندهای فرهنگی است. از سوی دیگر، واژه ژئو در بردارنده مفاهیم متعدد و گوناگونی است که در واژگان جغرافیا و به ویژه در ادبیات جغرافیای سیاسی مدرن دارای کاربردهای وسیعی است (غریاق زندگی، ۱۳۸۷: ۱۴۹). بنابراین، ژئوکالچر، بدنال اهمیت دادن به عناصری چون فرهنگ، زبان، قومیت و مذهب در کنار سایر عوامل ژئوپولیتیکی است. به نظر می‌رسد، ژئوپولیتیک نوین ترکیبی از مفاهیم ژئوپولیتیک کلاسیک، ژئوکونومیک و ژئوکالچر باشد. (روشن و فرهادیان، ۱۳۸۵: ۱۳۰). برخی کسان در ایالات متحده آمریکا در نتیجه بالا گرفتن ایده‌های دهه ۱۹۹۰ ساموئل هانتینگتون^۳ درباره برخورد تمدن‌ها^۴ به گمان آغاز دوران اثرگذاری تفاوت‌های فرهنگی - تمدنی بر شکل‌گیری‌های سیاسی جهان در رقابت‌های قدرتی جدید، سخن از ژئوکالچر به میان آورده‌اند. از سوی دیگر با گسترش جهانی شدن در سر آغاز قرن بیست و یکم و با توجه عام به این حقیقت که چون محل اصلی پدید آمدن و گستردن جهانی شدن‌ها ایالات متحده است، این روند، بار فرهنگی آمریکایی چشمگیری به همراه دارد. آشکار است که این بار فرهنگی آمریکایی جهانی شدن‌ها در هویت فرهنگی اقوام و ملتها اثر می‌گذارد و بنیادهای فرهنگی «ملت» و «هویت ملی» بومی داشتن را به چالش می‌گیرد. برخی از ناظران می‌کوشند اثر گذاری‌های این چالش‌های فرهنگی و واکنش‌های اقوام و ملت‌ها نسبت به آن را نیز «ژئوکالچر» قلمداد کنند. (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۱۴۳-۱۴۲)

شاید به جرات بتوان گفت که کمتر می‌توان ردپای متغیرهای فرهنگی را در نظریه پردازیهای روابط بین الملل جستجو کرد.

البته بیش از یک دهه است که حرکت‌هایی در این راستا آغاز شده است. برای نمونه نظریه‌های برخورد تمدنها و گفتگوی تمدنها خود منعکس کننده نقش آفرینی فرهنگ در روابط و مناسبات ابناء بشر و خلق الگوهای جنگ و عداوت یا صلح و دوستی بین آنها می‌باشد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۶). همچنین می‌توان به کتاب «ژئوپلیتیک و ژئوکالچر» امانوئل والرشتاین و نیز مقالات گالتونگ، میشل فوکو و همچنین کتاب «پایان تاریخ» فوکویاما اشاره کرد. پیش‌تر نیز آنتونیو گرامشی، عامل فرهنگی را در نظریه هژمونی خود مورد توجه قرار داده بود. از دیدگاه این دسته از نظریه پردازان که البته به مکاتب مختلفی نظیر واقعگرایی و نظریه‌های مارکسیستی، وابستگی دارند، متغیرهای فرهنگی، سهم عمده‌ای را در ایجاد و شکل‌گیری تحولات بین المللی برعهده دارند. ویژگی مشترک هر دو نظریه، نظریه برخورد تمدنها هانتینگتون - به عنوان یک دیدگاه رئالیستی با محور فرهنگی - و پایان تاریخ فوکویاما - دیدگاهی آرمانگرایانه با مشخصه خوشبینانه پیروزی جهانی لیبرال دموکراسی برای آمریکا و توجه خاص به متغیرهای فرهنگی است. این موضوع در نظریه ژئوکالچر والرشتاین نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. (اخباری و مؤذن جامی، ۱۳۸۹: ۳۴)

1. Geoculture
2. Immanuel Maurice Wallerstein
3. Samuel Huntington
4. Clash of civilization

۵-۱- عوامل ژئوکالچر واگرایی

بخشی از اختلافات همسایگان ناشی از رقابت یا تداخل دیرینه منابع و علایق فرهنگی است. این منابع مشاجره، در شمار منابع «ژئوکالچر» محسوب می‌شود. رقابت‌های دیرینه قومی، ملی گرایانه و تلاش برای صدور ارزش‌های فرهنگی و گستراندن نظام ارزشی و حمایت از هم‌کیشان در کشور همسایه بخشی از این عملکرد است.

گسترش دامنه نیروهای ایدئولوژیک در تعقیب مخالفان تا آن سوی مرز و کنترل ایدئولوژیک منطقه بخشی از نتایج رقابت‌های سیاسی - فرهنگی کشورهای همسایه به شمار می‌رود. (کریمی پور، ۱۳۸۰: ۲۲)

۶- روش شناسی

۶-۱- نوع و روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ نوع پژوهش و هدف، کاربردی است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و پیمایشی می‌باشد. با توجه به این که پژوهشگر تا حدودی از روابط سیاسی ایران و ترکیه آگاهی دارد، با مطالعه اسناد و مدارک موجود، سعی نموده است بر اساس دلایل منطقی و مصاحبه با صاحب نظران این فضا و ارسال پرسش‌نامه برای دست‌اندرکاران حوزه مربوطه، چالش‌ها و عوامل واگرایی را شناسایی، برجسته و ارائه نماید. در این پژوهش از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی متون و محتوای مطالب و نیز روش‌های میدانی نظیر پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده استفاده شده است.

۶-۲- جامعه آماری و حجم آن

منظور از جامعه آماری همان جامعه اصلی است، که از آن نمونه‌ای نمایا یا معرف به دست آمده باشد. با توجه به نیاز به آگاهی و مطلع بودن پاسخگویان نسبت به موضوع پژوهش، جامعه آماری این تحقیق، کارشناسان و نخبگان آگاه با موضوع در سازمان اطلاعات سپاه، میز ترکیه در وزارت امور خارجه، اساتید دانشکده امام علی (ع) نیروی قدس و تعدادی اساتید و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تعیین گردید و از روش نمونه‌گیری تمام شمار استفاده شد. و به تمام نخبگانی که اطلاع کافی در رابطه با موضوع ترکیه داشتند مراجعه گردید.

جدول شماره (۱) - طبقات و تعداد جامعه آماری

ردیف	طبقات جامعه آماری	تعداد جامعه آماری	درصد نفرات
۱	کارشناسان و نخبگان آگاه با موضوع در سازمان اطلاعات سپاه	۱۰	۲۹/۴
۲	میز ترکیه در وزارت امور خارجه	۷	۲۰/۶
۳	اساتید دانشکده امام علی (ع) نیروی قدس	۹	۲۶/۵
۴	اساتید و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی	۸	۲۳/۵
۵	جمع	۳۴	۱۰۰

۶-۳- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

معمولاً برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در پژوهش‌های علوم انسانی از دو نوع روش آماری شامل آمار توصیفی و دیگری آمار استنباطی استفاده می‌گردد. آمار توصیفی، شرایط موجود را توصیف می‌کند، بدین ترتیب که محقق از طریق به دست آوردن فراوانی، اندازه‌های گرایش به مرکز، شاخص‌های پراکندگی، رسم نمودار و غیره، متغیرهای مورد مطالعه را توصیف می‌کند. در این پژوهش نیز متناسب با تحلیل داده‌ها و اطلاعات از آمار توصیفی استفاده شد. جداول توزیع فراوانی پاسخگویان و تعیین میزان درصد هر کدام و نمودار توزیع فراوانی آنها بر حسب متغیرهای مختلفی محل کار پاسخ‌گویان، تعیین سطوح و میزان استفاده از گوینه‌ها با هیستوگرام مربوط به هر یک

آنها، و مشخص نمودن شاخص‌های میانگین، میانه، نما، انحراف معیار، دامنه تغییر، حداقل و حداکثر مربوط به هر یک از سطوح از موارد استفاده آمار توصیفی در این تحقیق بودند. تقسیم‌بندی سؤالات پرسشنامه بر اساس ابعاد پژوهش به شرح جدول زیر است:

جدول شماره (۲) - تقسیم‌بندی سؤالات پرسشنامه بر اساس ابعاد پژوهش

ردیف	ابعاد	شماره سؤالات	تعداد سؤالات
۱	عوامل ژئوپلیتیک	۱-۱۳	۱۳
۲	عوامل ژئواکونومیک	۱۴-۱۹	۶
۳	عوامل ژئوکالچر	۲۰-۲۸	۹

۷- یافته‌های پژوهش

به منظور شناسایی ویژگی‌های فردی اعضای جامعه نمونه تعداد سه سؤال در خصوص سن، میزان تحصیلات و حوزه خدمتی طرح گردید و از افراد انتخاب شده خواسته شده آن را تکمیل نمایند در این قسمت نتایج بررسی داده‌ها و متغیرهای مختلف که شامل جداول پاسخ‌گویان بر حسب متغیرهای فوق و جداول گویه‌های مربوط به مؤلفه‌های عوامل ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچری می‌باشند به تفصیل آورده می‌شود.

جدول شماره (۳) - سن پرسش‌شوندگان جامعه نمونه

سن	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۲۰-۳۰ سال	۲	۵/۹	۵/۹	۵/۹
۳۱-۴۰ سال	۱۴	۴۱/۲	۴۱/۲	۴۷/۱
۴۱-۵۰ سال	۱۰	۲۹/۴	۲۹/۴	۷۶/۵
۵۰ سال به بالا	۸	۲۳/۵	۲۳/۵	۱۰۰/۰
کل	۳۴	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

با توجه به جدول فوق، نتایج حاصل بیانگر این واقعیت است که افراد جامعه نمونه دارای سن مناسبی می‌باشند؛ لذا جامعه نمونه از نظر تجربه از توانایی و مهارت مناسبی جهت اظهار نظر در خصوص متغیرهای مورد بررسی برخوردارند که این امر تأثیر زیادی در بالا بردن روایی پاسخ‌ها خواهد داشت.

جدول شماره (۴) - میزان تحصیلات جامعه نمونه

میزان	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
فوق دیپلم و پایین‌تر	۱	۲/۹	۲/۹	۲/۹
لیسانس	۶	۱۷/۶	۱۷/۶	۲۰/۵
فوق لیسانس	۱۸	۵۲/۹	۵۲/۹	۷۳/۴
دکتری و بالاتر	۹	۲۶/۶	۲۶/۶	۱۰۰/۰
کل	۳۴	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

با توجه به جدول و فوق، نتایج حاصل بیانگر بالا بودن سطح تحصیلات و آگاهی جامعه نمونه می‌باشد؛ لذا از توان علمی نسبتاً بالایی جهت درک بهتر سؤال‌ها و پاسخگویی مناسب به آن‌ها برخوردارند

جدول شماره (۵) - حوزه خدمتی

حوزه خدمت	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
کارشناسان و نخبگان آگاه با موضوع درسازمان اطلاعات سپاه	۱۰	۲۹/۴	۲۹/۴	۲۹/۴
میز ترکیه در وزارت امور خارجه	۷	۲۰/۶	۲۰/۶	۵۰
اساتید دانشکده امام علی (ع) نیروی قدس	۹	۲۶/۶	۲۶/۶	۷۶/۶
اساتید ودانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی	۸	۲۳/۴	۲۳/۴	۱۰۰/۰
کل	۳۴	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

با توجه به جدول فوق، نتایج حاصل بیانگر این واقعیت است که اکثر افراد جامعه نمونه با حوزه مربوطه آشنایی دارند و این آشنایی آن‌ها را می‌توان در حد زیاد دانست؛ لذا جامعه نمونه از نظر آشنایی از توانایی و مهارت لازم جهت اظهار نظر در خصوص متغیرهای مورد بررسی برخوردارند که این امر تأثیر زیادی در بالا بردن روایی پاسخ‌ها دارد.

۸- نتیجه گیری

در یک پژوهش، لازم است نتیجه گیری ویافته های پژوهش با سؤالات و اهداف پژوهش متناسب بوده و نتایج حاصله، پاسخگوی سؤالات اصلی و فرعی باشند. در این پژوهش نیز نتایج، متناسب با روند پژوهش شکل گرفته و به سؤال اصلی و سؤالات فرعی پاسخ می‌گوید. لذا در با طرح مجدد سؤالات پژوهش، پاسخ مناسب که برگرفته از یافته‌های پژوهش و مستند به مبانی نظری و میدانی است داده می‌شود.

سؤال فرعی اول: عوامل ژئوپولیتیکی واگرایی در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه کدامند؟

بر اساس یافته‌های تحقیق و اولویت بندی آنها طبق نظر خبرگان جامعه آماری پژوهش، عوامل ژئوپولیتیکی واگرایی در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه به ترتیب اولویت عبارتند از:

۱. مسأله کردها در سوریه و حضور نظامی ترکیه به بهانه مبارزه با آنها در سوریه
۲. تقابل ایران و ترکیه در زمینه همسایگان بخصوص عراق و سوریه
۳. همکاری گسترده ترکیه با آمریکا، بخصوص قرار دادن پایگاه نظامی اینجریلیک در اختیار آمریکا
۴. همکاری گسترده سیاسی با رژیم صهیونیستی
۵. حضور ایران در کشورهای خط مقدم مقاومت از جمله سوریه، لبنان، عراق و فلسطین
۶. تلاش‌های همه جانبه ترکیه جهت تحقق امپراطوری عثمانی
۷. حضور فعال ترکیه در ناتو

۸. تلاش برای تکوین و تحکیم محور راهبردی آذربایجان، رژیم صهیونیستی، آمریکا و ترکیه

۹. تلاش ترکیه جهت حضور و اعمال نفوذ در خلیج فارس به صورت مستقل و یا اهرمی از ناتو

سؤال فرعی دوم: عوامل ژئواکونومیکی واگرایی در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه کدامند؟

بر اساس یافته‌های تحقیق و اولویت بندی آنها طبق نظر خبرگان جامعه آماری پژوهش، عوامل ژئواکونومیکی واگرایی در روابط

سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه به ترتیب اولویت عبارتند از:

۱. مخالفت مشترک ترکیه و آمریکا با طرح‌های عبور خطوط لوله نفت و گاز آسیای مرکزی از فضای سرزمینی ایران جهت انتقال به اروپا

۲. فعالیت اقتصادی ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی در ترکیه بخصوص جنوب شرق این کشور و مناطق پیرامونی ایران

۳. رقابت دو کشور جهت نفوذ در بازارهای منطقه قفقاز و آسیای مرکزی

سؤال فرعی سوم: عوامل ژئوکالچر واگرایی در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه کدامند؟

بر اساس یافته‌های تحقیق و اولویت بندی آنها طبق نظر خبرگان جامعه آماری پژوهش، منابع ژئوکالچر تنش در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه به ترتیب اولویت عبارتند از:

۱. پرچمداری نظام اسلامی در منطقه توسط ایران

۲. هماهنگی ترکیه با رژیم صهیونیستی برای نفوذ فرهنگی در قفقاز بخصوص جمهوری آذربایجان

۳. پیوستگی قومی و سرزمینی در مناطق مرزی دو کشور

۴. سعی در القای الگوی لائیسم بعنوان الگوی مناسب و برتر برای حکومت‌های منطقه قفقاز و حتی کشورهای عربی منطقه از جمله مصر بعد از انقلاب.

سؤال اصلی: عوامل واگرایی در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه کدامند؟

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش با توجه به نظرات خبرگان و کارشناسان این حوزه که در جامعه آماری به آنها پرداخته شد باید عنوان نمود که اولاً از نظر این دسته از کارشناسان عوامل واگرایی در هر سه زمینه و مؤلفه ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر در رابطه دو کشور وجود داشته و محتمل است و ثانیاً از منظر نخبگان، عوامل ژئوپولیتیک با رتبه میانگینی ۲/۳۸ دارای اولویت نخست مؤلفه‌های واگرایی بوده و سپس عوامل ژئوکالچری با رتبه میانگینی ۱/۹۰ و عوامل ژئواکونومیک با رتبه میانگینی ۱/۷۲ در اولویت‌های دوم و سوم واگرایی در روابط سیاسی دو کشور قرار گرفتند.

جدول شماره (۸) - رتبه‌بندی عوامل سه‌گانه

عوامل	میانگین رتبه	مربع کای	درجه آزادی	سطح معناداری
ژئوپولیتیک	۲/۳۸			
ژئوکالچر	۱/۹۰	۸/۰۴۴	۲	۰/۰۰۰
ژئواکونومیک	۱/۷۲			

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد میزان تأثیر پذیری ابعاد سه‌گانه عوامل واگرایی در روابط سیاسی میان ترکیه و جمهوری اسلامی تفاوت معنی دار وجود دارد. همچنین جدول فوق نشان دهنده این موضوع می‌باشد که رتبه بندی تأثیرپذیری ابعاد سه‌گانه عوامل واگرایی میان ترکیه و جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد لذا می‌توان نتیجه‌گیری نمود که الویت عوامل واگرایی به ترتیب ۱- منبع تنش ژئوپولیتیک ۲- منبع تنش ژئوکالچر ۳- منبع تنش ژئواکونومیک می‌باشد.

۹- پیشنهادهای کاربردی

تشکیل کارگروه و میز مشترک بین مسئولین امر بویژه در وزرات امور خارجه به همراه سایر نهادهای دخیل در سیاست خارجی جهت نزدیک شدن افکار و راه کارهای اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تلاش و پیگیری مسئولین امر جهت بررسی و حل مسئله کردها در کشورهای درگیر با این مسئله تا بطور ریشه ای حل و فصل گردد.

تلاش همه جانبه جهت روشننگری مردم ترکیه توسط فضای مجازی و روابط فرهنگی تا حصول و تحقق این هدف که همه کشورهای مسلمان و منجمله کشور ترکیه رابطه ی خود را اعم از رابطه سیاسی، اقتصادی و نظامی با رژیم منحوس صهیونیستی به حداقل و در نهایت قطع نمایند.

افزایش تماس ها و رفت آمدهای دیپلماتیک جهت نزدیک سازی عقاید و خواست های جمهوری اسلامی با سیاستمداران و مسئولین ترکیه جهت کاهش تنش ها.

تلاش مسئولین امر در وزارت خارجه جهت همراهی ترکیه با جمهوری اسلامی در خصوص مسئله بیداری اسلامی و فلسطین. روشننگری و بکارگیری مردم منطقه جهت جلوگیری از برانگیخته شدن احساسات پان ترکیستی و همراهی هر چه بیشتر مردم منطقه با اهداف جمهوری اسلامی.

تلاش فرهنگی و رسانه ای جهت نشان دادن حقایق اسلام و اینکه اسلام برای همه امور از جمله سیاست و اداره جامعه برنامه دارد به مردم منطقه و جهان اسلام در مقابله با الگوی لائیسیم که از طرف ترکیه تبلیغ می گردد. این مهم توسط رسانه های فرامرزی جمهوری اسلامی، همچنین تلاش سازمان یافته در فضای مجازی و همچنین پیگیری نشست های نخبگانی در سطح سیاسیون و علمای کشورهای اسلامی امکان پذیر می باشد.

تلاش مسئولین اقتصادی جهت صادرات سامان یافته و با برنامه ریزی محصولات با کیفیت به کشورهای منطقه قفقاز جهت استفاده حداکثری از این بازارها که این امر علاوه بر رونق تولید در داخل کشور سبب عمق بخشی فرهنگی نیز در آن کشورها می گردد.

منابع

- قرآن کریم، عثمان طه، قرآن کریم
- ایزدی، بیژن، سیاست خارجی ج. ا. ا.، دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ۱۳۷۱.
- رمضانی، روح اله، سیاست خارجی ج. ا. ا.، ترجمه علیرضا طیب، نشر نی، تهران: ۱۳۸۰.
- بخشایشی، احمد، سیاست خارجی ج. ا. ا.، انتشارات آوای نور، تهران: ۱۳۷۵.
- امینی، ابراهیم، سیاست خارجی حکومت اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران: ۱۳۶۰.
- کاظمی، علی اصغر، دیپلماسی نوین، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران: ۱۳۶۷.
- قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، انتشارات سمت، تهران: ۱۳۷۲
- منصوری، جواد، اصول سیاست خارجی ج. ا. ا.، انتشارات امیر کبیر، تهران: ۱۳۶۵.
- محمدی، منوچهر، اصول سیاست خارجی ج. ا. ا.، انتشارات امیر کبیر، تهران: ۱۳۶۵.
- لاریجانی محمد جواد، مقولاتی در استراتژی ملی، مرکز ترجمه و نشر، تهران: ۱۳۶۹.
- حقیقت، صادق، مسئولیت های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، تهران: ۱۳۶۷.
- نخعی، هادی، توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران: ۱۳۷۶.
- سجاد پور، محمدکاظم، سیاست خارجی ج. ا. ا.، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران: ۱۳۷۹.
- دفتر جریان شناسی تاریخ معاصر، روایت دلواپسی، تهران: ۱۳۸۴.
- مرکز تحقیقات اسلامی، امریکا از دیدگاه رهبری، قم ۱۳۷۸.
- مجموعه سخنرانی های مقام معظم رهبری، سایت شارح.
- احمدی، حسین، تحولات منطقه ای ویژه قفقاز. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. (۱۳۸۵)
- اسدی کیا، بهناز، جمهوری آذربایجان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه (۱۳۸۷)

- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. ممالک و مسالک. (به کوشش بهرام افشار و ترجمه محمد بن عبدالله تستری) تهران: موقوفات دکتر محمود افشاریزدی (۱۳۷۳).
- افشردی، محمد حسین. ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ سپاه. (۱۳۸۱)
- ایولا کست، عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک (علی، فراستی، مترجم)، تهران: نشر آمین. (۱۳۸۳)
- بخشایشی اردستانی، احمد. اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، موسسه انتشارات آوای نور (۱۳۷۵)
- بیات. کاوه، توفان بر فراز قفقاز. تهران مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. (۱۳۸۰)
- توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه شناسی تهران: سمت (۱۳۷۶)
- حاجی یوسفی، امیر محمد، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی (۱۳۸۴).
- حافظ نیا، محمدرضا. اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی (۱۳۸۵)
- حافظ نیا، محمدرضا. قدرت و منافع ملی (مبانی، مفاهیم و روش‌های سنجش). تهران: انتخاب. (۱۳۸۶)
- حسن انوشه و دیگران، دانشنامه ادب فارسی (جلد پنجم ادب فارسی در قفقاز). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲)
- خلیلیان، سید خلیل.. حقوق بین الملل اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی (۱۳۶۱)
- حاجی یوسفی امیر محمد. ایران و رژیم صهیونیستی؟ از همکاری تا منازعه. تهران: دانشگاه امام صادق (ع) (۱۳۸۲)
- افتخاری، اصغر؛ کالبد شکافی تهدید؛ تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی (۱۳۸۵)
- تریف، تری و دیگران؛ مطالعات امنیتی نوین؛ ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۸۳)
- جعفری ولدانی، اصغر، بررسی تاریخ اختلافات مرزی ایران و عراق، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، (۱۳۶۷)
- خمینی، سیدروح الله؛ تحریر الوسیله؛ ترجمه: سید محمد باقر همدانی؛ تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جلد، ۲ (۱۳۷۸)
- رنجبر، مقصود، ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: پژوهشکده مطالعات (۱۳۸۷)